



بررسی تطبیقی مجلس مهستان دوره اشکانی با مجلس اول مشروطه

■ آوات ابراهیمی ■ سید صیادی

مجلس مهستان یکی از برجسته‌ترین نهادهای تصمیم‌گیری عصر اشکانی بود که صلاحیت و مسوولیت بررسی مسائل لشکری و کشوری را به عهده داشت. از نام این مجلس برمی‌آید که در آن بزرگان جامعه که دارای تجربه و شایستگی درباره همه شئون کشور بودند، حضور داشتند. این مجلس در دوره ساسانی نیز تا حدودی قدرت خود را حفظ کرده بود اما بعد از فروپاشی ساسانیان دیگر از چنین مجلسی برای تصمیم‌گیری در امور کشوری و لشکری خبری نبود تا این که در عصر قاجار و بیشتر به تبعیت و تحت تأثیر شیوه‌های حکومتی اروپا، مجلس مشروطه در ایران شکل گرفت.

شکل‌گیری مجلس مهستان

مهرداد اول با پیروی از حکومت هخامنشیان که دارای مجلس بودند و حدود اختیارات شخص شاه و همه شاهزادگان و فرماندهان را مشخص می‌کرد، دست به اقدام اصلاحی در دولت نوپای اشکانی زد و مجلس مهستان یا مغستان را که مرکب از روحانیون و بزرگان مملکتی بود، ایجاد کرد، از این رو به تجدیدنظر در قوانین پرداخت. ۱ سپس مجلس دیگری را که در آن روحانیون نقشی نداشتند و تنها از شاهزادگان و نجبا ترکیب شده بود، ۲ تشکیل داد که نمایندگان خاندان اشکانیان و ظاهراً ۶ خانواده معروف پارت جزو این شورا بودند. ۳ باید یادآور شد گاهی این دو مجلس با هم منعقد می‌شد که آن را مغستان یا مجلس بزرگان می‌نامیدند.

اعضای مجلس و حوزه قدرت و نفوذ آنها
تاسیتوس تاحدودی نقش مجلس در حکومت اشکانی و شیوه و اهمیت گزینش را فاش می‌کند. ۳۰۰ نفر از مردان برگزیده ثروتمند و هوشیار، مجلسی شبیه به سنا را تشکیل می‌دهند. مردم سوار بر قدرت قانونی خود هستند تا هنگامی که مجلس و مردم با هم اتفاق نظر دارند، واهمه‌ای از شاهان اشکانی ندارند اما همین که میان این دو شکاف می‌افتد هر کدام برای خود حریفی را به کمک می‌طلبند تا سرانجام یکی از حریفان به برتری برسد. رویدادهای زمان سلطنت اردوان سوم و عزل و نصب دوباره او بهترین نمونه نقش مردم‌سالاری و مجلس در بقای شاه بر سر قدرت است. ۴ در شورای اشراف و نجبای قبیله که ۷ خاندان معروف و نامدار علاوه بر خاندان اشکانیان از جمله خاندان سورن، کارن، اسپهپات هم جزو آنها بود، نقش مهمی ایفا می‌کردند. این سنت گویا از دوران هخامنشیان که در حکومت آنان نیز ۷ خاندان نامدار در بین سایرین ممتاز بود به پارت‌ها رسیده بود. ۵

این خاندان‌ها املاک بزرگ و زمین‌های وسیع و مقام‌های والا داشتند برخی از آنها مانند سورن، قارن و اسپهپات امتیازات و نفوذ خود را قرن‌ها حفظ کردند و حتی پس از سقوط دولت اشکانی از خانواده‌های حاکم ایران محسوب می‌شدند. این امر ثابت می‌کند تسلط ساسانیان بر اشکانیان طبقات حاکم را تغییر نداد. ۶ اعیان و نجبای دربار اشکانیان اغلب شوونان را از پدر به پسر به ارث می‌بردند. انتخاب پادشاه با این مجلس بود، یعنی وقتی در وجود مالک تاج و تخت به جهتی تردید حاصل می‌شد، اعضای مجلس مشاوره‌ای ترتیب می‌دادند و از خانواده سلطنت، شخصی را که قابل و سزاوار می‌دیدند برای این کار انتخاب می‌کردند همچنین این مجمع که از آن باید به مجلس اعیان تعبیر کرد،

اگر پادشاه را ظالم یا نالایق می‌دیدند، خلع می‌کردند. به همین خاطر شاهان اشکانی احترام مجلسیان را نگه می‌داشتند.

به نظر می‌رسد که مجلس در میان اشکانیان عشیره‌ای، تقریباً همان نقشی را داشته است که امروز نمونه بسیار کم‌رنگی از آن در هر جامعه روستایی و عشایری ایران به قدرت خود باقی مانده است. بنابراین با این که شاهان اشکانی پسر یا برادر خود را به ولیعهدی خود برمی‌گزیدند، اما پیداست که تأیید این گزینش با مجلس مهستان بوده است. بدیهی است که نقش و قدرت مجلس مهستان همیشه یکسان نبوده و قدرت این مجلس رابطه مستقیم و معکوس با قدرت پادشاه داشته است. ۷

رومیان در ارزیابی‌های خود گاهی نیز حدود اختیارات این مجلس را بیش از اندازه گزارش کرده‌اند. ژوستین، مورخ معروف یکی از دلایل تضعیف و نهایتاً فروپاشی دولت اشکانی را اختیارات نامحدود این مجلس و تندروی‌های اشراف و نجبا دانسته است. به خاطر عدم تعصب دینی پارتیان، نمی‌توان آنان را دین‌گریز دانست و به آنان نسبت داد که به روحانیون و ضوابط و سنن دینی بی‌توجه و آنان را به کنار زده بودند. بدیهی است، باز هم با توجه به بها دادن شهریاران اشکانی به عقاید و آراء و بویژه بزرگان و خردمندان کشور، شاه همیشه از تصمیم‌گیری‌های فردی و شتاب‌زده برحذر داشته می‌شد. شهریاران پارتی با توجه به این امر با دو مجلس به رایزنی می‌پرداختند. در انتخاب اعضای این مجلس پادشاه تنها حق نظارت داشت و بر نتیجه انتخابات و شکل‌گیری آن صخه می‌گذاشت. طبقه اعیان، اشراف و نجبای جامعه پارتی مشخص‌کننده اعضا و ترکیب این مجلس بودند. این حق در حدود

۵ قرن حکومت اشکانیان برای طبقه اعیان پیوسته محفوظ بود و ترکیب اعضای این مجلس همان‌گونه که در بالا آمد، شیوخ یا به عبارت دیگر بزرگان جامعه اعیان و اشراف جامعه پارتی بودند. در مجلس دیگر که از اهمیت در ابعاد دیگری برخوردار بود، اعضای خاندان سلطنتی عضویت داشتند. این دو مجلس به استناد منابع که عمدتاً باید از سوی رومیان باشد، عنوان مهستان را به خود می‌گرفت. این مجلس صلاحیت و مشروعیت لازم را برای مداخله اشراف و طبقه ممتاز در امورات مهم تنها از طریق این مجلس ممکن می‌ساخت. این مجلس در مساله جانشین شاهان اشکانی دخالت مستقیم داشت و شاه را انتخاب می‌کرد و به ضرورت او را تغییر می‌دادند یا برکناری‌کردند به همین مناسبت اعیان اشراف و خاندان‌های ممتاز و بزرگ مورد احترام و توجه ویژه

مجلس مهستان، صلاحیت و مشروعیت لازم برای مداخله اشراف و طبقه ممتاز در امورات مهم را تنها از طریق این مجلس ممکن می‌ساخت. این مجلس در مساله جانشین شاهان اشکانی دخالت مستقیم داشت و شاه را انتخاب می‌کرد

پادشاهان اشکانی بودند. با توجه به قدرت و حوزه اختیاراتی که این مجلس داشت در صدر حکومت ساسانیان این مجلس تحت نام مگوستان که کترتیر روحانی برجسته خود را رئیس آن معرفی می‌کند همچنان باقی مانده بود، البته در عصر ساسانی با توجه به نوع حکومت آنان که دینی بود، شمار روحانیون (مغان) در مقایسه با اعضای غیر روحانی در این مجلس به مراتب بیشتر بوده است.

همان‌گونه که بزرگان در عصر هخامنشی بر عملکرد شاهان آن نظارت داشتند، در عصر اشکانیان نیز چنین شیوه‌ای متداول بود و به نظر بزرگان و اعیان جامعه احترام گذاشته می‌شد به این ترتیب اعیان و بزرگان جامعه پارتی از طریق این مجلس بر عملکرد پادشاه نظارت مستمر و مستقیم داشتند. اعضای این مجلس تقریباً در تمامی امور رسمی و دولتی کشور مداخله کرده و در هر موردی صاحب‌نظر بودند. رومیان این مجلس را با سنای رومیان مقایسه کرده و برابر دانسته‌اند. هرچند این مجلس گاهی موجب برخورد و اصطکاک میان طبقه اشراف و حتی شخص پادشاه اشکانی می‌شد که حسن به شمار نمی‌آمد، ولی از سوی دیگر موجبات استحکام قوام و مشروعیت حاکمیت اشکانی از ناحیه این دولت دانسته شده است. یکی از مشکلاتی که گاهی مجلس بزرگان در عصر اشکانی به وجود می‌آورد، برکنار کردن برخی پادشاهان لایق بود و به تبع آن بروز جنگ‌های داخلی مدعیان سلطنت اشکانیان. چنین امری موجب بهره‌برداری بیگانگان و دشمنان پارتیان از جمله رومیان می‌شد. در مقاطعی که مجلس مهستان از پادشاه و عوامل دولتی حمایت می‌کرد، دشمنان ایران نیز توان مداخله و سوءاستفاده را پیدا نمی‌کردند، زیرا در غیر این صورت این پادشاه

